

گفت‌و‌گو با مهندس مجتبی دستمالچیان - رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع نساجی ایران



تهیه و تنظیم: مینا بیانی

فکر نمی‌کنم شاهد تفاوت چندانی با سال گذشته باشیم. کمبود ارز و عدم تخصیص ارز همچنان معضل جدی کشور است. قطع برق و گاز واحدهای صنعتی از مشکلات جدی تمام صنایع محسوب می‌شود. به دلیل افزایش نرخ ارز به سرمایه در گردش بسیاری نیازمندیم و همچنان شاهد عدم همکاری بانک‌ها و سیستم مالی کشور در زمینه اعطای تسهیلات هستیم. سرمایه‌گذاری‌های جدید با نرخ فعلی ارز متوقف خواهد شد و شاهد توسعه چندانی نخواهیم بود. امیدوارم سال خوبی پیش رو داشته باشیم اما آن‌چه تا امروز مشاهده کرده‌ایم برخلاف این امیدواری است!

«اجازه دهید با یک سوال کلی، گفت‌و‌گو را شروع کنیم. به اعتقاد شما سال ۱۴۰۱ برای صنعتگران و فعالان صنایع نساجی چگونه سپری شد و پیش‌بینی شما از سال جاری چیست؟»

به نظر سال سختی بود به خصوص با توجه به تغییر نرخ ارز در گمرکات و به دنبال آن تغییر غیرکارشناسی تعرفه‌ها، همچنین تصویب قوانین مزاحم و اخذ حقوق و عوارض گمرکی از ماشین‌آلات. اغلب واحدهای نساجی در تهیه و تأمین مواد اولیه با مشکلات بسیاری مواجه بودند و این چالش‌ها در زمینه واردات مواد اولیه به دلیل نوسانات نرخ ارز و تداوم تحریم‌ها به اوج خود رسید.



جریمه صادراتی

اشاره:

به گفته مهندس دستمالچیان، «صنعتگران کشور موافق ارز تک‌نرخ هستند. مسئولان تصور می‌کنند فعالان اقتصادی علاقه‌مند به استفاده از ارز یارانه‌ای هستند و از ارز دولتی استفاده می‌کنند ولی این‌طور نیست. تمام رانت‌های ارزی متعلق به صنایع بالادستی (و ابتدای زنجیره تولید) ولی بدنامی آن متعلق به صنایع پایین‌دستی است! رانت‌خواری که مواد اولیه را با قیمت ارزان‌تر تهیه می‌کنند اما محصول نهایی را با قیمت گران‌تر (طبق نرخ ارز آزاد) به صنعتگران می‌فروشند.»

وی در بخش دیگر این مصاحبه یادآور می‌شود: «در حال حاضر صادرکننده ایرانی به جای تشویق، جریمه می‌شود به عبارت بهتر باید مواد اولیه مورد نیاز را طبق ارز روز فراهم کند اما محصول تولیدی را به نرخ ارز با دولت تسویه کند. این مکانیسم یک جریمه صادراتی است و عملاً امکان رقابت تولیدکننده ایرانی را در بازارهای بین‌المللی و سایر رقیبان کاهش می‌دهد.»



است که متأسفانه تا امروز صنعت نساجی توسط دولتمردان چندان جدی گرفته نشده است، در صورتی که کمترین رانت و بیشترین اشتغال‌زایی را به خود اختصاص می‌دهد و ده‌ها مزیت دیگر که بارها در مورد آن بحث شده است. واقعیت این است که وقتی از سرمایه‌گذاری و سودآوری در معدن، صنعت فولاد یا پتروشیمی صحبت می‌شود، اعداد و ارقام به اندازه‌ای بزرگ هستند که نساجی در مقابل آن حرفی برای گفتن ندارد و برای اغلب متولیان امر نیز همین اعداد و ارقام فریبنده و جذاب است و به کانون توجه دولتمردان تبدیل شده‌اند غافل از این که با تقویت زنجیره‌های پایین دستی صنایع مذکور (مانند پتروشیمی) ارزش افزوده به مراتب بیشتری ایجاد می‌شود.

«دیدگاه شما در مورد تعیین استانداردهای اجباری برای صنعت نساجی و عزم سازمان ملی استاندارد جهت اجرای آن در مرحله نخست به روی لباس کودک، پارچه رومبلی و البسه زیر چیست؟

قطعاً تمام تولیدکنندگان نساجی می‌دانند که استفاده از الیاف طبیعی در منسوجات و پوشاک به مراتب بهتر از الیاف مصنوعی است اما از نظر قیمت انجام این کار امکان‌پذیر است؟!

فرض کنید در استاندارد مربوط به البسه نوزاد و کودک عبارت صد درصد الیاف طبیعی و رنگ‌های سازگار با بدن قید شود اما آیا توان مالی مصرف‌کننده نهایی به اندازه‌ای است که با قیمت بالای البسه طبیعی مشکلی نداشته باشد؟ اگر قرار است برای تعدیل قیمت محصول نهایی، از الیاف پلی‌استر استفاده شود که دیگر نیازی به تدوین استاندارد اجباری نیست.

به اعتقاد من استاندارد اجباری در مسائل بسیار واجب‌تری از نساجی وجود دارد که بهتر است مسئولان سازمان ملی استاندارد به روی آنها متمرکز شوند. در حال حاضر شما در سطح بین‌المللی نیز استاندارد اجباری و اختیاری را که بررسی می‌کنید، موضوع مقررات الزام‌آور و آگاهی بخش به مصرف‌کننده نهایی متمرکز شده است تا اجباری کردن استانداردها.

ضمن این که حتی شاهد حمایت‌ها و تشویق‌هایی در حوزه الیاف پلی‌استر باز یافتی هم هستید. با توجه به شرایط فعلی و ناکارآمدی سیاست‌های دستوری، اجبار واحدها به استاندارد اجباری نتیجه‌ای جز افزایش قیمت محصول و غیر رقابتی کردن آنها نخواهد داشت.

ارزی باید بدانیم تسهیل روابط با عربستان صرفاً به تجارت با این کشور محدود نمی‌شود و زمینه‌ساز روابط تجاری با بسیاری از کشورهای عربی منطقه خواهد بود که می‌تواند بخش عمده‌ای از محدودیت‌های ارزی کشور را برطرف کند و باید برای آن برنامه‌ریزی داشته باشیم.

«مدتی پیش شاهد استیضاح وزیر صمت و حواشی آن در سطح کلان اقتصادی و سیاسی کشور بودیم. عملکرد وی را در صنعت به خصوص در صنعت نساجی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که مشکلات فعلی صنعت نساجی را موضوعات تخصصی مانند واردات بعضی کالاها، مباحث تعرفه‌ای و قوانین و بخشنامه‌های مزاحم تولید در برمی‌گیرد که با دفتر صنایع منسوجات و پوشاک وزارت صنعت، معدن و تجارت مرتبط هستند در مورد برخی مسائل کلان و زیرساختی مثل کمبود برق، نبود گاز، محدودیت‌های ارزی هم با رفتن یک وزیر و آمدن یک وزیر دیگر شرایط چندان تغییر نمی‌کند. در اخبار، در مورد احیای مجدد وزارت بازرگانی هم صحبت می‌شود که فکر نمی‌کنم اتفاق خاصی رخ دهد.

نکته قابل اشاره در این موضوع پرداختن به این واقعیت

«در زمینه صادرات شرایط چگونه است؟ صحبت‌هایی پیرامون رفع تعهد ارزی و تالار سوم شنیده‌ایم و نسبت به آن خوش‌بین هستیم و در این صورت احتمال رونق صادرات وجود دارد اما در حال حاضر صادرکننده ایرانی به جای تشویق، جریمه می‌شود به عبارت بهتر باید مواد اولیه مورد نیاز را طبق ارز روز فراهم کند اما محصول تولیدی را به نرخ ارزان با دولت تسویه کند.

این مکانیسم یک جریمه صادراتی است و عملاً امکان رقابت تولیدکننده ایرانی را در بازارهای بین‌المللی و سایر رقیبان کاهش می‌دهد. این مشکل در تمام بخش‌های نساجی مصداق دارد ولی هر قدر به سمت تولید کالای نهایی حرکت کنیم کار سخت‌تر می‌شود.

«به تازگی در مورد احیای روابط اقتصادی و تجاری ایران و عربستان نقطه‌نظرات بسیاری شنیده می‌شود. در این صورت فکر می‌کنید صنعت نساجی کشور تا چه میزان از بازار صادراتی عربستان منتفع خواهد شد؟

در حال حاضر اطلاعات دقیقی از بازار عربستان به خصوص بازار صنایع نساجی ایشان ندارم ولی عربستان در حوزه پتروشیمی بسیار توانمند است و در صورت گشایش‌های



استدلال سازمان مالی استاندارد این است که در صورت اجرای قانون استاندارد اجباری، این سازمان می‌تواند به‌عنوان ضابط قضایی با کالای قاچاق و فروشگاه‌های عرضه‌کننده آن مبارزه کند مگر در حال حاضر محصولاتی که دارای استاندارد اجباری هستند، قاچاق نمی‌شوند! مواد آرایشی و بهداشتی مشمول استاندارد اجباری هستند اما در عین حال بخش عمده‌ای از این محصولات به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند! حتی ستاد مبارزه با قاچاق کالا هنوز به طور کامل موفق به حل این معضل نشده است.

فکر می‌کنم استاندارد اجباری محصولات نساجی در سطح شعار و حرف باقی می‌ماند و عملیاتی نمی‌شود زیرا محصول قاچاق کالاهای دارای استاندارد اجباری به وفور در بازار وجود دارد و این موارد صرفاً برای اجبار واحدها به استانداردهای اجباری است.

نکته مهم این‌که در حال حاضر صنعتگر نساجی و پوشاک با معضل تهیه مواد اولیه مواجه است و اجرای استاندارد اجباری هزینه‌های مضاعف به بار می‌آورد که در نهایت نفعی برای صنعت و تولید و در نهایت مصرف‌کننده نهایی ندارد.

خوشبختانه در حال حاضر کالای نساجی و پوشاک باکیفیت بالایی در کشور تولید می‌شود و واحدهای بسیاری از نشان استانداردهای تشویقی به روی محصولات تولیدی خود استفاده می‌کنند.

دیدگاه شما در مورد تکنرخی شدن ارز چیست؟ به‌طور کلی صنعتگران کشور موافق ارز تکنرخی هستند. مسئولان تصور می‌کنند فعالان اقتصادی علاقه‌مند به استفاده از ارز یرانه‌ای هستند و از ارز دولتی استفاده می‌کنند ولی این‌طور نیست.

تمام رانتهای ارزی متعلق به صنایع بالادستی (و ابتدای زنجیره تولید) ولی بدنامی آن متعلق به صنایع پایین‌دستی است! رانت‌خواری که مواد اولیه را با قیمت ارزان‌تر تهیه می‌کنند اما محصول نهایی را با قیمت گران‌تر (طبق نرخ ارز آزاد) به صنعتگران می‌فروشند.

این روزها جلسات متعددی در مورد قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و اصلاح آن برگزار می‌شود. ضمن بیان دیدگاه خود، بفرمایید که اجرای این قانون در

اساس قانون مورد اصلاح قرار گیرد. در مورد بخش دوم سوال شما هم باید بگویم تاکنون نشنیده‌ام هیچ کشوری جز ایران، صنعت نساجی را جزو مشاغل سخت و زیان‌آور بداند و در اکثر کشورهای دنیا در مشاغل سخت و زیان‌آور به گونه متفاوتی برای نیروی شاغل، تسهیلات در نظر گرفته می‌شود مثلاً در برخی کشورها ساعت کاری هشت تا شش ساعت در نظر گرفته می‌شود.

انجمن صنایع نساجی ایران به‌عنوان یکی از تشکلهای پرسابقه کارفرمایی که از اجرای نادرست این قانون، آسیب‌های بسیاری دیده است به‌طور جدی پیگیر موضوع اصلاح قانون و آئین‌نامه‌های مربوطه و نیز ایجاد وحدت رویه در استان‌ها می‌باشد.

موضوع بازسازی و نوسازی صنایع نساجی هم یکی از مباحثی است مسئولان امر نسبت به ضرورت آن معترف هستند اما کمتر اقدامی در این زمینه انجام شده است...

بازسازی و نوسازی در صنعت نساجی از اولویت‌هاست. شاید در هیچ صنعتی مانند نساجی با مشکلات کوچک و بزرگ مواجه نباشید. مثلاً هیچ‌کسی فولاد یا خودرو قاچاق نمی‌کند اما نساجی در زمینه قاچاق رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهد.

صنعت نساجی تا چه میزان منصفانه است؟ مشاغل سخت و زیان‌آور از دو جهت یک موضوع مهم محسوب می‌شود. نخست این‌که تمام استان‌ها با کمبود جدی نیروی کار روبرو هستند به حدی که زمینه‌های مربوط به صدور مجوز کار به اتباع شنیده می‌شود.

یک فرد شاغل پس از بیست سال به‌عنوان یک نیروی ماهر و توانمند طبق قانون مشاغل سخت و زیان‌آور بازنشسته می‌شود به این ترتیب تولیدکننده نیروی متعهد و باتجربه خود را از دست می‌دهد و باید زمان و هزینه خود را صرف آموزش نیروی به اصطلاح صفر کیلومتر نماید.

همچنین دولت (سازمان تأمین اجتماعی) باید هزینه‌های سنگینی بابت پرداخت حقوق و مستمری بازنشستگان متقبل شود ولی سوال اینجاست که آیا هدف از اجرای اولیه قانون مشاغل سخت و زیان‌آور امروز هم لازم هست؟ همان‌طور که می‌دانیم فرد بازنشسته به دلیل هزینه‌های بالای زندگی، مجبور است کار دیگری شروع کند، به نظرم

تداوم این وضعیت اصل و اساس قانون مذکور را به طور کلی زیر سوال می‌برد.

البته جامعه کارگری در قبال اصلاح قانون مشاغل سخت و زیان‌آور مقاومت می‌کند و عملاً باعث توقف تغییر در اصلاح آن شده است.

در نهایت باید مصلحت کلی کشور دیده شود و براین

واردات خانگی این صنعت هم نباید فراموش شود، شاید ۷۰ درصد از محتویات چمدان مسافرانی که از خارج کشور به ایران بازمی‌گردند منسوجات و پوشاک دربرمی‌گیرد. علی‌رغم تمام مسائل و مشکلاتی که صنعت با آنها دست و پنجه نرم می‌کند اگر برای نوسازی و بازسازی اقدام عاجلی صورت نگیرد فکر نمی‌کنم تا چند سال آینده صنعتی به نام نساجی باقی بماند.



معتمد در حال حاضر به دلیل تحریم‌ها بخش خصوصی با تقبل هزینه‌های بیشتر و یافتن واسطه‌های معتبر، مسیرهایی را برای دور زدن تحریم‌ها و خرید ماشین‌آلات پیدا می‌کند که این‌ها بسیاری از شرکت‌ها از این طریق موفق به نوسازی خطوط تولید شده‌اند. نکته مهم برای ما عزم جدی دولت و اختصاص بودجه برای نوسازی و بازسازی صنایع نساجی است اما متأسفانه دولت به جای حمایت و تسهیل این روند و توسعه سرمایه‌گذاری با وضع قوانین و مقررات مزاحم تولید، مسیر توسعه را مسدود می‌نماید.

به دلیل بالا رفتن نرخ ارز و مشکلات تحریم، برخی تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند ماشین‌آلات

دست‌دوم (به خصوص از ترکیه) وارد کنند. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا تولید با ماشین‌هایی که به‌نظر می‌رسد عمر مفید خود را پشت‌سر گذاشته‌اند، منطقی است؟

داستان واردات ماشین‌آلات دست دوم در صنعت نساجی همیشه پر رنگ بوده و هست که به‌نظرم اتفاق بدی نیست چون ممکن است ماشین مدل ۲۰۱۰ وارد کشور شود اما وقتی جایگزین ماشین دهه ۱۹۸۰ می‌شود، در واقع نوسازی اتفاق می‌افتد و تکنولوژی بسیار قدیمی جای خود را به تکنولوژی نسبتاً مدرن و به‌روز می‌دهد. قطعاً خرید دستگاه مدرن گزینه خوبی است اما باید دید در صورت تقبل هزینه‌های سنگین خرید، نصب و راه‌اندازی ماشین جدید، از عهده هزینه‌های تولید برمی‌آید یا خیر؟ امروزه خرید ماشین‌آلات نو در بسیاری از بخش‌های نساجی (مثلاً بافندگی) منطقی نیست و توجیهی ندارد.

در مورد زنجیره تأمین و حفظ منافع ذی‌نفعان نساجی (نخ، الیاف، پارچه و ...) هم توضیحاتی ارائه نمایم.

شاید نساجی جزو معدود صنایعی است که دارای زنجیره عریض و طویل ذی‌نفعان و تضاد منافع بین آنها باشد. برای مثال وقتی مدیران صد کارخانه تولید کاشی در یک جلسه مشترک کنار هم قرار گیرند، مسائل و مشکلاتشان یکسان است و اختلافی با همدیگر ندارند چون مواد اولیه و محصول نهایی همگی از یک نوع است ولی در صنعت نساجی میان واحدهای ریسندگی، بافندگی، رنگرزی و تکمیل و پوشاک تضاد منافع مشاهده می‌شود.

برای مثال اکثر واحدهای بافندگی نسبت به عملکرد کارخانه‌های ریسندگی انتقاداتی دارند، کارخانه‌های رنگرزی از کیفیت محصول بافندگی‌ها گلایه‌مند هستند و این امر تا زنجیره نهایی و تولید پوشاک ادامه دارد. اختلاف منافع در این صنعت، خاص صنعت نساجی است و فعالیت تشکلهای تخصصی از جمله انجمن صنایع نساجی ایران را دشوارتر می‌کند چون باید منصفانه میان اعضای زنجیره تولید برخورد کنند و حقوق مصرف‌کننده نهایی و اعضا را در تصمیمات خود مدنظر قرار دهند.

در انجمن صنایع نساجی ایران همواره سعی کرده‌ایم از تمرکز بر یک گروه یا قشر خاص به شدت پرهیزیم و منافع جمعی را در نظر بگیریم و به تقویت همکاری میان اعضا بپردازیم.

در مورد قیمت‌گذاری محصولات نساجی و مشکلاتی که برای تولیدکنندگان (به خصوص برندها) جهت فروش محصولاتشان به وجود آورده است، چه دیدگاهی دارید؟

بحث قیمت‌گذاری و برندسازی دو مقوله متضاد از همدیگر است. تولیدکننده‌ای که به دنبال برندسازی می‌رود باید تبلیغات بیشتری انجام دهد، در نمایشگاه‌ها حضور فعال‌تری داشته باشد، تابلوی فروشگاه‌هایش در معرض مشاهده مردم قرار گیرد، کیفیت محصولات خود را افزایش دهد تا شایسته عنوان برند باشد، طبعاً پرداختن به این مسائل هزینه‌های بالایی نسبت به تولیدکننده‌ای که دغدغه برندسازی ندارد؛ در برآورد و قیمت تمام شده محصول بالا می‌برد و اگر قرار باشد مشمول قیمت‌گذاری شوند که دیگر برندسازی مفهومی پیدا نمی‌کند و به‌طور کلی صنایع نساجی و پوشاک از سال‌های گذشته مشمول قیمت‌گذاری نبوده است و براساس شکایات واصله به سازمان حمایت و تفاهم‌نامه فی‌مابین انجمن صنایع نساجی ایران و این سازمان، موارد توسط انجمن بررسی و پیگیری شده است. امسال نیز انجمن به‌طور جدی پیگیر مستثنی شدن صنایع منسوجات و پوشاک از مشمول قیمت‌گذاری است.

نقش تشکلهای بخش خصوصی اعم از اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌ها و اتحادیه‌های تخصصی را در بهبود شرایط صنعت نساجی را چگونه می‌بینید؟

قطعاً تشکلهای می‌توانند نقش بسیار سازنده‌ای ایفا نمایند به شرط این‌که متولیان امر از نظرات آنها استفاده کنند در غیر این صورت تشکلهای که دارای قدرت اجرایی نیستند و نظرات و دیدگاه‌های آنها بیشتر حالت مشورتی و مشاوره‌ای است. گر در هر زمینه‌ای ارتباط میان بخش خصوصی و حاکمیت تقویت شود، بهترین اتفاق برای صنعت و تولید کشور رقم خواهد خورد چون صنعتگران نسبت به مسائل بسیاری تسلط کامل دارند در حالی که مسئولان اطلاع‌داری در آن زمینه ندارند و چه‌بسا چندین سال به طول انجامد تا به آگاهی مورد نظر دست یابند ولی با بهره‌گیری از تجارب و دانش تخصصی تشکلهای می‌توانند گام‌های سریع‌تر و موثرتری جهت رفع مشکلات بردارند. به عقیده من در حال حاضر تشکلهای عملکرد بسیار خوبی دارند اما مشکل اینجاست که گوشی برای شنیدن نظرات راهبردی آنان وجود ندارد!